

بازنمایی مفهوم شهروندی در مطبوعات ایران

تحلیل گفتمان انتقادی سرمقاله‌های روزنامه‌های کیهان، ایران، رسالت،

اعتماد، شرق و آفتاب یزد

دکتر علیرضا حسینی پاکدهی*

زرین زردار**

تاریخ دریافت: ۸۸/۹/۵

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱/۲۶

چکیده

مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی دانشگاهی با عنوان «بازنمایی مفهوم شهروندی در مطبوعات ایران» است که با هدف بررسی چگونگی تفاوت در نحوه بازنمایی مفهوم شهروندی در روزنامه‌های اصلاح طلب و اصولگرا انجام شده است.

*. استادیار گروه علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

** . دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی z.zardar@st.atu.ac.ir

در این مقاله به دلیل پر رنگ بودن وجوه کیفی مفهوم شهروندی از تحلیل گفتمان انتقادی استفاده شده است. به این منظور سی سرمقاله از میان سرمقاله‌های شش روزنامه پرتیراژ متعلق به دو جریان سیاسی عمده کشور یعنی اصولگرایان و اصلاح‌طلبان انتخاب و تحلیل شدند.

نتایج نشان داد که از دید روزنامه‌های اصلاح‌طلب، حقوق سیاسی و مدنی‌ویژه آزادی بیان و انتخابات آزاد، مهمترین حقوق شهروندان به شمار می‌روند و از نظر روزنامه‌های اصولگرا، حقوق اقتصادی شامل رفاه، معیشت و اقتصاد، مهمترین مطالبات شهروندان را تشکیل می‌دهند؛ با این وصف، گفتمان مسلط شهروندی در ایران، گفتمان حقوق محور لیبرالی است.

همچنین بررسی‌ها حکایت از آن داشت که سرمقاله‌ها از گفتمان‌های سیاسی جاری (اصولگرایی و اصلاحات) به شدت تاثیر پذیرفته‌اند. به این معنا که تبیین حقوق شهروندی بیش از آنکه هدف غایی سرمقاله باشد، عرصه‌ای برای رویارویی و مبارزه طلبی گفتمان‌های سیاسی رقیب است.

واژه‌های کلیدی: بازنمایی، شهروندی، گفتمان، حقوق، تکالیف،

لیبرالیسم، جمهوری خواهی مدنی

مقدمه

شهروندی^۱ در طول تاریخ مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است، از مشارکت کامل شهروندان در اداره امور شهرها در یونان باستان تا شهروندی نه چندان عمیق رومی که گستره‌ای نسبتاً وسیع داشت و از شهروندی محدود قرون وسطی تا شهروندی دوره مدرن.

شهروندی، چارچوبی فراهم می‌کند که افراد در درون آن و با توجه به ضوابطی که شهروندی تعیین می‌کند، می‌اندیشند و عمل می‌کنند. از حقوقی برخوردار می‌شوند

و در مقابل تکالیفی را عهده دار می‌شوند، لیکن محدوده این حقوق و وظایف در زمانها و مکانهای مختلف متفاوت است.

به گواهی تاریخ مفهوم شهروندی، برای جامعه سنتی ایران که تا مدت‌ها در آن رابطه دولت و مردم به صورت حاکم و رعیت تعریف می‌شد، کمتر شناخته شده است. در این جامعه حقوق شهروندی برای مدت‌ها در انحصار دولت بوده و در مقابل توده عظیمی وجود داشته‌اند که از هر گونه حقی محروم بوده‌اند. همین امر باعث می‌شود که مردم حکومت را از خود ندانند و بلکه آن را به منزله خصمی تلقی کنند که به دلیل قدرت بی حد و حصری که دارد، در مقابله از امنیت جانی و مالی برخوردار نیستند و از سوی دیگر برای جلوگیری از هرج و مرج داخلی و غارت اقوام و قبایل بیگانه به آن نیاز دارند. در چنین شرایطی مردم حکومت را از خود نمی‌دانند و چون از هر گونه حق و آزادی محرومند، پس هیچ مسئولیتی را نیز نمی‌پذیرند و وظیفه‌ای هم برای خود متصور نیستند.

در چنین اجتماعی ملت اساساً با دولت در ستیز است، یعنی حتی در زمانی که امکان طغیان و عصیان نیست، اطاعت مردم از دولت تنها مبتنی بر ضرورت و عافیت‌اندیشی (و در تحلیل نهایی ترس) است نه رضایت و پذیرش (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۵۳-۵۵). ولی باید در نظر داشت که الگوی استبدادی، چنانکه دکتر پیران نیز بدان اشاره می‌کند، در اثر تحولات ساختاری جامعه به بن‌بست قطعی رسیده است و راه دیگری جز دخالت آحاد مردم در سرنوشت خویش باقی نمانده است. چنین دخالتی و ظهور الگوهای مشارکت واقعی و نه مشارکت نمایشی که ایرانیان از دیرباز و به عنوان مکانیسمی دفاعی استاد آن بوده‌اند، نیازمند قدرت گرفتن جامعه مدنی و نهادهای مرتبط به آن و قانونمند شدن واقعی و ریشه‌ای کشور است (پیران، بی تا: ۷).

شهروندی به عنوان یکی از ملزومات جامعه مدنی با نشریات عصر مشروطه وارد ایران شد. در نتیجه، آنچه ما امروزه به عنوان شهروندی می‌شناسیم، در واقع مفهومی رسانه‌ای است که هرگز نمی‌توان آن را جدا از مفهوم ارتباطی، تصور کرد.

به این ترتیب روزنامه‌ها در «خلق مفهوم شهروند و استقرار نظام مردم‌سالاری» (روزنستیل و کوواچ، ۱۳۸۵: ۱۹) نقش موثری برعهده گرفتند.

اهمیت تأثیر رسانه زمانی بهتر روشن می‌شود که بدانیم برداشت‌ها، نگرش‌ها، قرائت‌ها و گفتمان‌هایی که ناظر به مفهوم جامعه مدنی و شهروندی هستند بر فرایند، سرشت و سرنوشت شکل‌گیری و شکل‌دهی به پروژه جامعه مدنی و شهروندی در یک جامعه تأثیر بسزایی دارند (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۱۸). بنابراین فهم پدیده‌ها بر نحوه عینیت یافتگی و واقعیت یافتگی آنها موثر است. بنابراین شناخت برداشت‌های نظری از مفاهیم، کمک زیادی به شناخت پدیده‌ها می‌کند. این اصل در مورد مفهوم جامعه مدنی و شهروندی نیز صادق است

البته، باید توجه داشت که مفهومی که از طریق رسانه تعریف و ارائه می‌شود، الزاماً تعریفی دقیق و همه‌جانبه از شهروندی نیست، بلکه تصویری است «برساخته شده» که ممکن است در برخی جنبه‌ها با تأکیدی اغراق آمیز همراه باشد و از بازنمودن جنبه‌های دیگر چشم‌پوشی کند (Levis et al, 2004:162-4).

با این همه نمی‌توان از این واقعیت چشم‌پوشید که محتوای رسانه‌ها منبع قدرتمند معنا درباره جهان اجتماعی است (دوروکس، ۱۳۸۷، ۱۲۸) و از طرف دیگر، اگرچه محتوای رسانه‌ها با واقعیت اجتماعی برابر شمرده نمی‌شود، اما ضرورت دارد که ما به بررسی این نکته بپردازیم که محتوای رسانه‌ها چگونه واقعیات درگیر در روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را «بازنمایی» می‌کنند؟ (دوروکس، ۱۳۸۷، ۱۲۸).

بازنمایی «فرایند تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است» و در حقیقت به این معناست که آنچه ما به عنوان واقعیت یک مفهوم می‌شناسیم، در واقع تصویری «برساخته شده» از آن مفهوم است که در فرایندهای گفتمانی - مانند فعالیتی که مطبوعات انجام می‌دهند - تولید می‌شود (مهدی زاده، ۱۳۸۳: ۳).

به این ترتیب رسانه به عنوان منبع تغذیه فکری مردم جامعه (ربیعی، ۱۳۸۰: ۶۹) معرفی می‌شود؛ بخصوص زمانی که ایده‌های نو در جامعه مطرح می‌شوند. **دالگرن**

(۱۳۸۰)، یادآور شده است که نظام‌های بازنمایی حتی قادرند معیارهای شهروندی در جوامع را نیز تحت تأثیر قرار دهند (دالگرن، ۱۳۸۰: ۳۲) و دوروکس (۱۳۸۷) حتی پا را از این نیز فراتر نهاده و بر این باور است که رسانه‌ها قادرند به رفتار و عقاید عمومی شکل دهند (دوروکس، ۱۳۸۷، ۱۲۹).

حال با توجه به اینکه شهروندی یکی از مفاهیم نسبتاً جدیدی است که وارد جامعه ایرانی شده و از طرف دیگر به دلیل اهمیت زیادی که در مسیر رشد و تحول جامعه دارد، این پرسش مطرح می‌شود که مطبوعات ایران، مفهوم شهروندی را با توجه به کدام دیدگاه و با تأکید بر کدام جنبه شهروندی بازنمایی کرده‌اند. آیا گفتمان لیبرال و بحث حقوق محور آن مورد توجه بوده است یا گفتمان جمهوری‌خواهی مدنی و تکالیف و تعهدات فرد در قبال اجتماع.

دانستن این نکات از آن جهت اهمیت دارد که به دلیل فقدان تصویر بومی از شهروند و حقوق و تکالیفش، تصویری که مطبوعات از «مفهوم شهروندی» باز می‌نمایانند، به عنوان واقعیت شهروندی در جامعه پذیرفته می‌شود و مبنای عمل و انتظارات افراد قرار می‌گیرد.

بنابراین سؤال اصلی این پژوهش این است که مطبوعات ایران اعم از چپ (نشریات همسو با اصلاح‌طلبان) و راست (نشریات مبین دیدگاه‌های اصولگرایان)، مفهوم شهروندی را چگونه بازنمایی کرده‌اند؟ و این دو گروه از مطبوعات در نحوه بازنمایی مفهوم شهروندی چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟

مبانی نظری

اگر مفهوم شهروندی را به لحاظ جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار دهیم، در می‌یابیم که دو رویکرد عمده به این مفهوم وجود دارد. رویکرد اول که ریشه در آرای ارسطو دارد، مکتب جمهوری‌خواهی مدنی^۱ است که در آن فرد زمانی در موقعیت

^۱ Civic Republication

شهروندی قرار می‌گیرد که وظایفی را در قبال جامعه عهده‌دار شود، و رویکرد دوم، رویکرد لیبرالی است که نظریه مسلط در زمینه شهروندی به حساب می‌آید؛ و در این نظریه، شهروندی موقعیتی است که فرد با قرار گرفتن در آن صاحب حقوقی می‌شود و البته مسئولیت‌هایی را نیز عهده‌دار می‌شود، اما تأکید محوری نظریه، بر روی حقوق است.

در این مجال، بنا به ضرورت آشنایی با مفاهیم اولیه و اصلی مرتبط با موضوع، نظریه‌های لیبرالی و جمهوری خواهی مدنی به طور اجمالی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

نظریه شهروندی در مکتب جمهوری خواهی مدنی

مکتب جمهوری خواهی مدنی با آرای ارسطو آغاز می‌شود که معتقد بود، «شهروندی کاری تیمی است که از طریق آن افراد به یکدیگر و به دولت پیوند می‌خورند (Heater, 1999:56).

رویکرد جمهوری خواهانه به شهروندی به دلیل تأکیدی که بر تکالیف دارد، در نقطه مقابل شهروندی حقوق محور لیبرال قرار گرفته است. در این مکتب، اجتماع بر فرد مقدم است و به همین دلیل افراد برای خیر اجتماع موظف به انجام مسئولیت‌ها و تکالیفی هستند (Oldfield, 1990:4).

الیور و هیتر مفهوم شهروندی در مکتب جمهوری خواهی را با چند اصل به خوبی تشریح کرده‌اند: اصل اول این که شهروندان یک وظیفه مدنی نسبت به وفاداری به دولت و حمایت از قوانین آن در خود احساس کنند. اصل دوم این است که در ادامه، دولت باید به وسیله حکومت مشروطه اداره شود (حکومت قانون) و حکومت باید به معنای دقیق کلمه جمهوری باشد نه استبدادی و اصل سوم این که، فرد باید این آمادگی را پیدا کند که در برخی جنبه‌ها منافع خود را فدای منافع اجتماع کند. این

سبک از تئوریزه کردن تجربه شهروندی، «جمهوری خواهی مدنی» یا «اجتماع گرایی» نامیده می شود (Oliver&Heater, 1994:115).

بازنمایی شهروندی در گفتمان جمهوری خواهی مدنی

ارزش های جمهوری خواهی مدرن که به طور مشخص به آتن باستان بر می گردد، عبارتند از: وظیفه مدنی، پیروی علایق فردی از خیر عمومی و اعتلای مفهوم گستره عمومی برای شکل دادن به شهروند فعال (Lister, 2003:25).

در گفتمان جمهوری خواهی مدنی اجتماع بر فرد مقدم است، بنابراین ارزش های جمع گرایانه و تعهدات بر بحث حقوق بویژه حقوق فردی اولویت دارند.

گفتمان جمهوری خواهانه در مطبوعات به شکل تعریف وظایف مردم در قبال دولت، یادآوری به آنها برای انجام وظایف شان و اطاعت از قانون و امثال آن بازنموده می شود. این بازنمایی عموماً با انتقاد به گفتمان لیبرال همراه است و بر لزوم مشارکت مردم در کارهای داوطلبانه، شرکت در انتخابات و پرداخت مالیات و عوارض تأکید می شود.

گله از نابسامانی ها، بی قانونی، فرار از مالیات و در مجموع تخطی از قوانین، نداشتن روحیه کارجمعی و گروهی، بخش دیگری از بازنمایی گفتمان جمهوری خواهانه در مطبوعات را شکل می دهد.

نظریه شهروندی لیبرال

میراث شهروندی یونان و روم که بعد از دوران طولانی مدت افولش، در قرون وسطی حضوری کم رنگ یافته بود، در اندیشه متفکرانی چون هابز و لاک دوباره بارور شد و پایه های شهروندی مدرن را پی ریزی کرد.

توسعه لیبرالیسم از قرن هفدهم به این سو تغییرات عمیقی را در معنای شهروندی پدید آورد. هابز و لاک ایده برابری را به بحثهای مربوط به رابطه فرد و دولت وارد کردند. از نظر لاک و پین همه افراد از حقوق غیرقابل تفکیک حیات، آزادی و مالکیت برخوردارند و تضمین و حفاظت از این آزادی‌ها وظیفه اصلی جامعه سیاسی است (Oliver & Heater, 1994: 175).

در سنت لیبرالی، شهروندی اساساً به مثابه مجموعه حقوق فردی تعریف می‌شود. تأکیدی که لیبرال‌ها بر استقلال فردی می‌گذارند آنها را نسبت به ایده‌های جامعه بدگمان می‌سازد. آنها بیم دارند که جامعه تعهداتی را بر فرد تحمیل کند که نفع شخصی او را محدود یا نقض کنند (Faulks, 2000: 55-8).

لیبرالیسم، حکومت مبتنی بر نمایندگی را به عنوان اصل اساسی دموکراسی ضروری می‌داند و آن را تنها راه کنترل قدرت سیاسی، تأمین مشارکت اجتماعی و تضمین احساس مسئولیت حکام در مقابل مردم می‌شمارد (بشیریه، ۱۳۷۸: ۲۵). و از طرف دیگر، فرصتهایی را برای افراد شهروند جهت مشارکت در تصمیماتی که به وسیله دولتمردان اتخاذ می‌شوند، فراهم می‌آورد و همین طور راههای قانونی برای این مشارکت را نیز فراهم می‌کند. راههایی از قبیل «حق پیوستن به احزاب سیاسی، گروه‌های فشار و انتخاباتی؛ حق مطرح کردن دیدگاه‌های انتقادی، حق عدم تبعیض برای فعالیتهای سیاسی و...» (Oliver & Heater, 1994: 177-8).

بازنمایی شهروندی در گفتمان لیبرالی

تعریف مارشال به عنوان تعریفی نسبتاً جامع و مانع از شهروندی، در مفهوم دقیق خود ابعاد سه‌گانه‌ای دارد:

الف- شهروندی مدنی که دربرگیرنده آزادی‌های فردی (آزادی بیان، حق مالکیت و ...) است.

ب- شهروندی سیاسی که حق مشارکت در فرایند اعمال قدرت (مشارکت سیاسی) را دربرمی‌گیرد که در نهادهایی چون مجلس و شوراهای محلی دولت متجلی می‌شود.

ج- شهروندی اجتماعی که حق بهره‌مندی از رفاه اقتصادی و امنیت اجتماعی را شامل می‌شود (مید، ۱۳۸۱: ۸۸).

شهروندی اجتماعی در دیدگاه لیبرال از جایگاه مهمی برخوردار است و به صورت دولت رفاه عملاً متجلی می‌شود. این حقوق کمترین چیزهایی هستند که امروزه مردم به عنوان عضوی از جامعه از آن انتظار دارند (مید، ۱۳۸۱: ۸۸).

گفتمان لیبرال در مطبوعات به صورت یادآوری تکالیف دولت در برابر مردم جلوه‌گر می‌شود. گفتمان حقوق در سرمقاله‌ها اغلب به صورت برشمردن وظایف دولت یا ابراز نارضایتی از ناتوانی دولت در برآوردن انتظارات و تأمین نیازهای مردم مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. برشمردن حقوق مندرج در قانون اساسی و سایر قوانین و اعتراض به نقض حقوق مندرج در قوانین از سوی نهادهای عموماً دولتی، صورت دیگر انعکاس گفتمان لیبرال در مطبوعات ایران است.

گفتمان‌های سیاسی غالب در جامعه ایرانی

بررسی اجمالی سیر شهروندی در ایران نشان می‌دهد که این مفهوم تنها متأثر از منبع ایجادکننده خود (شهروندی لیبرال) نبوده بلکه از نحوه شکل‌گیری و همین‌طور چگونگی بازنمایی اش از شرایط اجتماعی و سیاسی کشور نیز تأثیر پذیرفته است. به همین دلیل برای تبیین نحوه بازنمایی مفهوم شهروندی لازم است با گفتمان‌های سیاسی غالب در طول دوره مورد بررسی نیز آشنایی مختصری صورت پذیرد.

در مجموع چهار گفتمان عمده در فضای سیاسی بعد از انقلاب اسلامی در ایران نمود و ظهور یافت. گفتمان پرورده در جبهه‌های جنگ که نوعی سامان‌تک ذهنی بود

که مبتنی بر ارزش‌هایی چون جهاد و شهادت و همین‌طور دفاع از ارزش‌های دفاع مقدس بود.

دوره ریاست جمهوری هاشمی‌رفسنجانی دوره ظهور سامان‌گفتاری تازه‌ای به نام گفتار سازندگی بود. عرصه‌ای را که وی گشود، عرصه نیروهای متخصص، تحصیلکردگان دانشگاهها، طبقات صاحب ثروت، بنگاههای تولیدی و غیره بود. در فضای ذهنی که هاشمی‌رفسنجانی ترسیم نمود، رزمندگان تکریم و تقدیس می‌شدند، اما بیشتر آثاری از یک دوره پشت سر گذاشته شده و پرافتخار بودند (مهدی زاده، ۱۳۸۱: ۱۹۵).

دو گفتمان بعدی که موسوم به گفتمان اصلاحات و گفتمان راست جدید هستند، هر کدام در قسمتی از دوره مورد بررسی به گفتمان غالب در عرصه سیاسی بدل شدند و به همین دلیل به اجمال ویژگی‌های هر یک از آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتمان اصلاحات و توسعه سیاسی

گفتمانی که در جریان انتخابات دوم خرداد ۷۶ ظاهر شد، تبلور سیاسی گفتاری بود که از اوایل دهه هفتاد بروز و نمود یافته بود. گفتاری که در صدد بیان پاسخ متفاوتی با گفتار سازندگی به فضای برآمده در مقابل گفتار جنگ بود.

به این ترتیب فضای عقلانی برای رویارویی با گفتار پرورده در جنگ، زبان و بیان دیگری را جستجو می‌کرد. «الگوی دموکراسی و آزادی» گفتار جانشین به نظر می‌رسید. گفتمان آزادی، با جریان فکری آغاز شد که با هسته ادراکی گفتار انقلاب و گفتار پرورده در دوره جنگ به چالش برمی‌خاست (مهدی زاده، ۱۳۸۱: ۱۹۵)

مهمترین ویژگی‌های این گفتار را می‌توان تقدس‌زدایی از زمینه عمل سیاسی، سخن گفتن با وجه سلبی از کارکرد دین (سخن گفتن از ارزش‌های والای دین به منظور

تبیین کاستی‌های وضع موجود) و به تبع آن ایجاد فرصت و امکان حضور جدی‌تر گفتمان‌های ملی‌گرایانه دانست (کاشی، ۱۳۸۴: ۲۹۳).

مهمترین واژگانی که در این گفتمان مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از: جامعه مدنی، حق انتخاب، آزادی، حکومت قانون، پرهیز از خشونت، آزادی بیان، ضدیت با استبداد و خودکامگی، توسعه سیاسی، تنوع، اراده آزاد، حق نظارت مردم بر حکومت و مشارکت جمعی (کاشی، ۱۳۸۴: ۲۹۲). حضور این گفتمان با روی کار آمدن رویکرد جدید راستگرایانه موسوم به راست جدید در عرصه سیاسی کشور و شدت گرفتن نظارت استصوابی به شدت کمرنگ شده است ولی همچنان به عنوان اصلی‌ترین رقیب گفتمان راست جدید در عرصه رقابت سیاسی کشور حضور دارد.

گفتمان راست جدید

با روی کار آمدن دولت نهم در سال ۸۴ شاهد تولد طیف جدیدی از اصولگرایان در معادلات سیاسی بودیم. این گروه از دل جناح راست سنتی برآمده‌اند و به شدت آرمانگرا و تحول‌خواه هستند. بویژه تحول در حیطه اقتصادی یکی از اصلی‌ترین شعارهای این گفتمان جدید است. از ویژگی‌های گفتمان راست جدید تمایل به حل یکسببه مشکلات جامعه و طرح‌های ضربتی است.

موضوع محوری بعدی در گفتمان راستگرایان جدید، «عدالت» است. این موضوع بویژه در حوزه عدالت اقتصادی معنادار است. راست جدید استفاده از شیوه‌های نظارتی بخصوص در رقابت‌های انتخاباتی را برای جلوگیری از پایمال شدن حقوق جامعه ضروری می‌داند.

راست جدید در رقابت سیاسی رویکردی عوامانه دارد و برای افزایش مشروعیت خود به تقدس‌بخشی به عناصر مرتبط با قدرت علاقه ویژه‌ای نشان می‌دهد.

تلاش برای رهبری معنوی جهان و فعالیت به عنوان یک منجی جهانی از مهمترین شاخصه‌هایی است که گفتار و دولت اصولگرا را از سایر گفتمان‌ها به کلی

تمایز می‌سازد. عدالت، معیشت، رفع نابرابری و تبعیض از مهمترین واژگان به کار گرفته در گفتمان راست جدید است.

روش پژوهش

برای انجام این پژوهش از روش تحلیل انتقادی گفتمان^۱ استفاده شده است. تحلیل گفتمان روشی کیفی می‌داند که هدف از آن پر کردن خلأ میان تحلیل‌های خرد و کلان از پدیده‌های اجتماعی است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱۹). بر این اساس تحلیل در سه سطح انجام خواهد گرفت:

الف- توصیف: مرحله‌ای است که به ویژگی‌های صوری متن پرداخته می‌شود. در این مرحله واژگان کانونی متن استخراج شده و ارتباط این واژگان با مفهوم شهروندی از نگاه سرمقاله نویسان بررسی می‌شود.

ب- تفسیر: مرحله‌ای است که با استفاده از ویژگی‌های صوری، رابطه متن را با زمینه آشکار می‌سازد. تفسیر شامل ۲ مرحله است: ۱- انسجام موضعی که در آن درونمایه‌های اصلی نهفته در متون استخراج می‌شوند. ۲- انسجام کلی که درونمایه اصلی نهفته در متون مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ج- تبیین: در تبیین رابطه گفتمان با مناسبات قدرت تعیین می‌شود. به عبارت دیگر در این بخش به این موضوع پرداخته خواهد شد که چه نوعی از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن به این گفتمان مؤثر است؟ کدام بستر اجتماعی - سیاسی و فرهنگی به شکل‌گیری چنین متنی انجامیده است.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش سرمقاله‌های تمام شماره‌های منتشر شده روزنامه‌های کیهان، رسالت، ایران، شرق، آفتاب یزد و اعتماد از ابتدای سال ۱۳۸۰ تا پایان اسفند ماه ۱۳۸۶ است.

روزنامه‌های مورد بررسی از میان نشریات پرتیراژ کشور انتخاب شده‌اند تا بتوانند نماینده تفکر حاکم بر نظام مطبوعاتی ما تلقی شوند. روزنامه‌های کیهان، رسالت و ایران به دلیل انتساب به اصولگرایان و شرق، آفتاب یزد و اعتماد به دلیل انتشار افکار و اندیشه‌های طیف اصلاح طلبان برای این بررسی انتخاب شده‌اند.

مدت زمانی مورد بررسی یک دوره کامل از دوران ریاست جمهوری خاتمی و تقریباً سه سال از دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد را در برمی‌گیرد. علت انتخاب این دوره زمانی این است که در این دو دوره جناح‌های اصلاح طلب و اصولگرا به ترتیب قدرت را در اختیار داشته‌اند و چرخش‌های احتمالی در دیدگاه‌ها نسبت به شهروندی در قبل و بعد از رسیدن به قدرت و یا تدقیق و تثبیت دیدگاه‌های قبلی را به خوبی می‌توان در سرمقاله‌های منتشره در این دو مقطع زمانی دید. هر چند به لحاظ محدودیت زمانی پژوهش، امکان انتخاب مقاطع زمانی مساوی (دو دوره ۴ ساله) جهت بررسی امکانپذیر نبود.

روزنامه‌های ایران تنها روزنامه‌ای بود که در طول این دوره هفت ساله دچار تغییرات زیادی در خط مشی و تفکر حاکم بر نحوه اداره خود شد. این روزنامه طی سالهای ۸۰ تا ۸۴ (تا قبل از توقیف) جزء نشریات اصلاح طلب محسوب می‌شد ولی پس از رفع توقیف به صف روزنامه‌های اصولگرا پیوست. اما در جریان نمونه‌گیری، سرمقاله‌های حاوی دیدگاه‌های مرتبط با مفهوم شهروندی که از دوره چهارساله اول به دست آمدند روزنامه ایران از طیف روزنامه‌های اصولگرا خارج شده و در زمره روزنامه‌های اصلاح

طلب قرار گرفت. به این ترتیب، از مجموع سی سرمقاله مورد بررسی، ۱۰ سرمقاله مربوط به گفتمان اصولگرایی و ۲۰ سرمقاله متعلق به گفتمان اصلاح طلبی است.

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

در تحلیل گفتمان رعایت تصادفی بودن در نمونه‌گیری ضرورتی ندارد و نمونه‌گیری به صورت غیرتصادفی هدفمند انجام می‌گیرد. در واقع در این روش از نمونه‌گیری، محقق باید از میان مجموعه‌ای که در اختیار دارد، تعمداً نمونه‌هایی را برگزیند که با هدف مورد نظر وی بیشترین سازگاری را داشته باشد (فرانکفورد و نچمیاس، ۱۳۸۱: ۲۶۴). معیار انتخاب نمونه‌ها در این روش، نظر شخصی محقق است که البته این نظر بر تجارب قبلی وی و هدف پژوهش استوار است.

معمولاً برای تحلیل گفتمان از نمونه‌های بسیار کوچک استفاده می‌شود. از هر روزنامه تعداد پنج سرمقاله مورد بررسی قرار گرفت.

در این تحقیق با توجه به نوع کار، در انتخاب نمونه، این امر مدنظر قرار گرفت که روزنامه‌ها به گونه‌ای انتخاب شوند که در عین رعایت کوچکی حجم نمونه، تمام گروه‌ها و جناح‌های سیاسی عمده کشور، نشریه‌ای را در نمونه منتخب داشته باشند.

بنابراین روزنامه‌های کیهان، رسالت، ایران، شرق، آفتاب یزد و اعتماد از میان مجموعه روزنامه‌ها انتخاب شدند. برای انتخاب سرمقاله‌ها، ابتدا تمام سرمقاله‌ها به طور اجمالی بررسی شدند و هر یک از آنها که حداقل یکی از مؤلفه‌های (به این مؤلفه‌ها در فصل سه ذیل عنوان مفهوم شهروندی و حقوق و تکالیف آنها اشاره شده است) مرتبط با مفهوم شهروندی را در خود داشت به صورت اولیه انتخاب شدند و محقق در نهایت

۱- منظور از جناح‌های سیاسی عمده، جناح راست موسوم به اصولگرایان و جناح چپ موسوم به اصلاح‌طلبان است

از میان این تعداد، سرمقاله‌هایی را که بیشترین قرابت و نزدیکی را با مفهوم شهروندی داشتند، برای تحلیل نهایی برگزید.

تعریف مفاهیم و متغیرها

شهروندی

در این مقاله، مراد از شهروندی شرایط عضویت کامل در اجتماع است. همچنان که نظریه پرداز بریتانیایی تی. اچ. مارشال در مقاله کلاسیک خود شهروندی و طبقه اجتماعی شهروندی را موقعیتی می‌داند که به افرادی که عضویت کامل در یک اجتماع دارند، اعطا می‌شود و تمام کسانی که در این جایگاه قرار دارند، در حقوق، وظایف و موقعیتی که اعطا شده، برابر هستند (Goodwin, 2006: 341).

به باور مارشال، شهروندی یعنی مجموعه‌ای از تعهدات دولت و تکالیف مردم و تعهداتی که نظم سیاسی موجود به مردم می‌دهد و تکالیفی که از آنها انتظار دارد. (مید، ۱۳۸۱: ۲۱۵).

آنچه از این تعاریف برمی‌آید این است که شهروندی دارای دو وجه اصلی حقوق و تکالیف است. براساس تقسیم‌بندی تی. اچ. مارشال، حقوق شهروندی به سه گروه اصلی قابل تفکیک است. که عبارتند از: حقوق سیاسی، حقوق مدنی و حقوق اجتماعی. هر کدام از این حقوق و نیز تکالیف شهروندی به کمک شاخص‌هایی قابل تشخیص و اندازه‌گیری هستند.

شاخص‌های تشخیص و اندازه‌گیری حقوق

حقوق سیاسی^۱

^۱. Political Rights

۱- حق رأی و تصدی مسئولیت در سطوح متفاوت حکومت؛

۲- آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن؛

۳- آزادی اطلاعات (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۲۲۳).

حقوق مدنی^۱

۱- آزادی و مصونیت از تعرض برای شخص؛

۲- آزادی مذهب؛

۳- آزادی بیان؛

۴- حمایت از شخص در برابر اقدامات غیرقانونی دولت همچون حبس

یا کار اجباری؛

۵- برابری در مقابل قانون؛

۶- ممنوعیت تبعیض براساس جنس، نژاد، منشأ، زبان و عقیده (کاستلز و

دیویدسون، ۱۳۸۲: ۲۱۷).

حقوق اجتماعی^۲

۱- حق کار کردن؛

۲- برابری در فرصتها (در آموزش، بازار کار غیره)؛

۳- استحقاق بهره مندی از خدمات بهداشتی، مزایای رفاهی و خدمات

اجتماعی در زمانهای بیکاری یا ناتوانی برای کار؛

۴- استحقاق برخورداری از یک استاندارد معین آموزشی (کاستلز و

دیویدسون، ۱۳۸۲: ۸-۲۲۷).

تکالیف^۳

۱. پرداخت مالیات و عوارض؛

۲. احترام به قانون؛

۱. Civic Rights

۲. Social Rights

۳. Duties

۳. دفاع از سرزمین؛

۴. خدمت نظام وظیفه؛

۵. شرکت در کارهای داوطلبانه (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۲۱۷)؛

۶. آگاهی و اطلاع از اخبار و مسائل کشور؛

۷. شرکت در انتخابات (شیانی، ۱۳۸۲: ۲۳۷).

گفتمان^۱

«گفتمان»، به شکلی از کاربرد زبان، مثلاً در یک سخنرانی و یا حتی به صورت کلی‌تر، به زبان گفتاری یا شیوه سخن گفتن اشاره دارد (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۶). در این مقاله، واژه گفتمان به معنای متن، زبان، سخن و... به منزله یک رویداد ارتباطی است. علاوه بر صورت زبانی یک کلام و اطلاعاتی که منتقل می‌کند، باید این نکته که چه کسی، چرا و در چه شرایطی از آن «صورت زبانی» بهره گرفته است نیز مورد ملاحظه قرار گیرد.

به این معنا که یک صورت زبانی بخشی از یک شبکه پیچیده اجتماعی، فرهنگی و سیاسی محسوب می‌شود و معنای کلام علاوه بر صور زبانی و مضامین، در موقعیت کارکردی که در این شبکه پیچیده بر عهده می‌گیرد، مطالعه می‌شود خانیکی، ۱۳۸۱: ۲۰۰.

بازنمایی^۲

بازنمایی یکی از مفاهیم اصلی در این مقاله است. در مطالعات انتقادی و ارتباطی «بازنمایی»، تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی تعریف می‌شود. آنچه ما واقعیت می‌نامیم، خارج از فرایند بازنمایی نیست. استوارت هال (۲۰۰۳) بر آن است

^۱. Discourse

^۲. Representation

که بازنمایی به معنای استفاده از زبان برای بازنمایی معنی دار جهان است؛ البته این بدان معنا نیست که هیچ چیز مادی واقعی وجود ندارد، بلکه مهم این است که به آن جهان مادی واقعی باید معنایی داده شود.

استوارت هال بازنمایی را دارای ماهیت گفتمانی می‌داند (هال، ۲۰۰۳: ۴۳). او بر نظریه ساختارگرایانه از بازنمایی تأکید می‌کند (عاملی و محمدخانی، ۱۳۸۷: ۴۹). این نوع رویکرد معتقد است نه ما و نه کاربران زبان، هیچ کدام نمی‌توانیم معنای واحدی ایجاد کنیم و دنیای مادی تنها حامل یک معنا نیست، بلکه نظام زبان و هر نظامی که ما به کار می‌بریم می‌تواند مفاهیم ما را بازنمایی کند. از این رو، فرد برای شناخت بازنمایی ساختارگرایانه، باید ساختار گفتمانی را بشناسد (همان). وی می‌گوید، چیز معناداری خارج از گفتمان وجود ندارد، بنابراین وظیفه مطالعات رسانه‌ای، سنجش شکاف میان واقعیت و بازنمایی نیست، بلکه تلاش برای شناخت این نکته است که معانی به چه نحوی از طریق رویه‌ها و صورتبندی‌های گفتمانی تولید می‌شوند (مهدی زاده، ۱۳۸۳: ۳).

رسانه‌ها به عنوان منابع اصلی بازنمایی گاه در این کار آنقدر پیش می‌روند که مرز میان واقعیت و بازنموده‌ها از میان می‌رود تا جایی که حتی واقعیت هم برساخته می‌شود. گاهی هم بنا به تعبیر دان، جهان اجتماعی به حدی از ابزارهای بازنمایی لبریز می‌شود که واقعیت از تصاویر و انگاره‌ها تشکیل می‌یابد (دان، ۱۳۸۵: ۲۳۳).

دولت^۱

دولت در زبان فارسی معادل واژه لاتین Status و از ریشه Stare (پایگاه) آمده و به مفهوم «وضعیت موجود» است. دولت به عنوان نهاد اجتماعی، مجموعه هستی

^۱. State

مردمی است در سرزمین مشخص و تحت اداره سازمانی به نام حکومت سیاسی معین (شایان مهر، ۱۳۷۹: ۵۶۶).

در فرهنگ علوم اجتماعی در تعریف دولت چنین آمده است: « دولت سازمان سیاسی یک اجتماع تاریخی است که ملت نام دارد. زمانی که اجتماع به صورت یک دولت تشکل و سازمان می‌یابد، توانایی اتخاذ تصمیم خواهد یافت و این تصمیمات در جهت دوام آن جامعه خاص (بعد تاریخی) معمولاً مؤثر واقع می‌شوند (بیرو، ۱۳۷۰: ۴۰۵).

ولی در نمونه‌های مورد بررسی دولت به این مفهوم به کار نرفته بلکه معنای آن با مفهوم Government به معنای حکومت کردن تطابق بیشتری دارد. زیرا در سرمقاله‌های مورد بررسی منظور از دولت «قوه مجریه» است نه چارچوب ایدئولوژیک حاکم. بنابراین با وجودی که تعبیر دولت به سازمان اجرا کننده درست نیست، ولی به ضرورت در این مقاله، استثنائاً دولت در معنای سازمان اجراکننده وظایف دولت یعنی حکومت به کار می‌رود.

با توجه به این توضیحات، در این مقاله هر جا از واژه دولت استفاده می‌شود در واقع معنای دقیق حکومت (قوه مجریه) مدنظر است.

بررسی یافته‌ها

برای پاسخ به سؤال مطرح شده در این مقاله، سی سرمقاله اشش روزنامه ایران، کیهان، رسالت، شرق، آفتاب یزد و اعتماد مورد بررسی قرار گرفتند تا وابستگی متون به هر یک از گفتمان‌های شهروندی و تفاوت‌ها و شباهت‌های انگاره‌های شهروندی از منظر دوجریان سیاسی غالب کشور - اصولگرایان و اصلاح‌طلبان - مشخص شود.

۱- لازم به توضیح است که به دلیل حجم بالای سرمقاله‌های مورد بررسی (سی سرمقاله)، آوردن این متون در مقاله حاضر امکان‌پذیر نبود. لذا عنوان، تاریخ، نام روزنامه و مؤلف هر یک از سرمقاله‌ها به پیوست آمده است.

روزنامه‌های اصولگرا و مفهوم شهروندی

توصیف

انسجام واژگانی

اقتصاد (۲۰)، معیشت (۱۴)، مطالبات (۱۰)، رفاه (۱۱)، خواسته‌ها (۱۰)، اشتغال (۸)، مسکن (۳)، آموزش رایگان (۴)، بیمه (۴)، انتخابات (۱۵)، مشارکت (۶)، مردم سالاری (۲)، رأی اکثریت (۲)، آزادی (۳)، قانونگذاری (۹)، قانون (۹)، عدالت (۱۷)، حقوق (۱۵)، پاسخگویی (۱۱)، امنیت (۷)، کارآمدی (۱۵)، توسعه (۶)، دولت مدیر (۳)، اصلاحات (۹)، توسعه سیاسی (۷)، ناامنی (۳)، تورم (۶)، بیکاری (۵)، فقر (۱۳)، فساد (۵)، بی عدالتی (۳)، تبعیض (۶)، ناکارآمدی (۲).

تقسیم‌بندی موضوعی واژگان ارزشی موجود در متون می‌تواند بخشی از آنچه که ساختار متون در خود دارند را نشان دهد. در این متون واژه اقتصاد (با ۲۰ بار تکرار) به همراه واژگان همنشین خود، «معیشت»، «مطالبات»، «رفاه» و ... در کانون منازعات ایدئولوژیک متن قرار دارد. گروه دوم واژگان نیز با محوریت «عدالت» با ۱۷ بار تکرار در متن، «حقوق»، «پاسخگویی»، «کارآمدی»، «توسعه» و ... عمدتاً در معنای اقتصادی آن به کار رفته‌اند و به نوعی می‌توان آنها را تکمیل‌کننده گروه اول واژگان و تبیین‌کننده مفهوم عدالت اقتصادی دانست.

واژه «انتخابات» با ۱۵ بار تکرار با همایی واژه‌هایی چون «مشارکت»، «مردم سالاری»، «آزادی» و «رأی اکثریت»، گروه سوم واژگان کانونی متن را به وجود آورده است.

«اصلاحات» و «توسعه سیاسی» نیز به عنوان واژگان متضاد در برابر «اقتصاد»، «معیشت» و «رفاه» به کار رفته‌اند. آنها به گفتمان سیاسی رقیب (توسعه سیاسی) تعلق دارند و با واژگانی چون «فقر»، «ناامنی»، «تورم»، «بیکاری»، «فساد»، «بی عدالتی»، «تبعیض» و «ناکارآمدی» طرد و نفی می‌شوند.

از زاویه دید نویسندگان متن، مردم به دنبال دستیابی به حقوق اقتصادی خود هستند. به این لحاظ اقتصاد و معیشت برای آنها اولویت اساسی است. آنها خواستار برخورداری از عدالت اقتصادی هستند ولی طرفداران توسعه سیاسی بی توجه به خواست‌های حقیقی مردم، منافع سیاسی خود را در اولویت قرار داده‌اند که نتیجه‌ای جز فقر، فساد و تبعیض در پی نداشته است. این متون غالباً به صورت تلویحی گفتمان راست جدید را به عنوان گزینه مطلوبی که می‌تواند کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های گفتمان اصلاحات و توسعه سیاسی را برطرف کند، به خوانندگان خود معرفی می‌کنند. با توجه به این نکات و شاخص‌های مورد اشاره در فصل سوم، متن بالا را می‌توان بازنمایاننده بعد اجتماعی حقوق شهروندی دانست.

مهمترین شاخصی که اصولگرایان مطرح می‌کنند استحقاق و بهره‌مندی از خدمات بهداشتی، مزایای رفاهی و خدمات اجتماعی در مواقع بیکاری یا ناتوانی برای کار است.

از دید سرمقاله نویسان روزنامه‌های اصولگرا، شهروندی موقعیتی است که از سوی دولت به شهروندان تفویض می‌شود. یعنی نیازهای اقتصادی آنان را تامین می‌کند که مهمترین آنها عبارتند از: شغل و مسکن. حقوق اقتصادی مهمترین دغدغه راستگرایان را تشکیل می‌دهد.

عمده سرمقاله‌ها بویژه آنهایی که نگارش‌شان با دوره حاکمیت اصلاح‌طلبان همزمان است، با حقوق از وجه سلبی برخورد می‌کنند. یعنی بیش از آنکه به ضرورت پرداختن به این حقوق و برآوردن آنها بپردازند، دولت را به کوتاهی در برآوردن آنها و نیز کاهش سطح رفاه و گسترش فقر و فساد متهم می‌کنند.

وظایف اقتصادی دولت عمده‌ترین نکته‌ای است که روزنامه‌های اصولگرا بر آن پای می‌فشارند و معتقدند علت عدم موفقیت دولت در پرداختن به آنها، ناشی از بی‌توجهی و در حقیقت عطف توجه به حقوق سیاسی است.

در زمینه حقوق سیاسی، سرمقاله‌ها به حق رای آزاد اعتقاد دارند ولی تعبیر آنها از مفهوم حق رای بسیار متفاوت از تعبیر اصلاح طلبان است. روزنامه‌های اصولگرا به شدت از نظارت استصوابی دفاع کرده و حتی احراز صلاحیت یا عدم صلاحیت کاندیدها را جزئی از حقوق شهروندان و تفسیر عینی مفهوم آزادی می‌پندارند. در حقیقت حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در درون محدودیت‌های قابل توجه قانونی پذیرفته است. از طرف دیگر، از نگاه این روزنامه‌ها، خود شهروندان هم چندان علاقه‌ای به این دسته از حقوق ندارند و آن را همسنگ آشوب و بلبشوی سیاسی می‌دانند. حقوق مدنی نیز در تفکر اصولگرایانه جایگاه محکمی ندارد. در درونمایه‌های برگرفته از سرمقاله‌ها تنها در یک مورد به حقوق مدنی اشاره شده است. نگاه تکلیف محور به شهروندی در این سرمقاله‌ها چندان مدنظر نیست. تکالیف شهروندی تنها یک بار مورد توجه سرمقاله نویسان قرار گرفته‌اند که این یک بار هم بیش از آنکه ناشی از دغدغه‌های جدی نویسنده درباره تکالیف شهروندان باشد، به دلیل مناسبتی است که مقاله به خاطر آن منتشر شده است. تاکید سرمقاله‌ها بر مفهوم عدالت و بویژه عدالت اقتصادی، رفع فقر و امثال آن نشان از تعلق سرمقاله‌های اصولگرا به گفتمان راست جدید دارد.

استعاره‌ها

استعاره رابطه میان پدیده‌ها را از راه قیاس به دست می‌دهد. روابطی که گاه می‌توانند تبیین کننده بسیاری از واقعیات اجتماعی باشند. روزنامه‌های اصولگرا برای ایجاد تصویرهای موردنظر خود از استعاره‌های زیر بهره گرفته‌اند:

اوضاع متلاطم اقتصادی (اقتصاد بی‌ثبات)، سکان قوه اجرایی (انتخابات ریاست جمهوری)، بمباران تبلیغات رسانه‌ای (توجه گروه‌های اصلاح طلب به مقوله توسعه سیاسی)، باتلاق عفن و آلوده (فساد رو به رشد در جامعه)، غول اعتیاد و بیکاری

(مشکلات اقتصادی، اجتماعی عظیم و مهار نشدنی) زالوهای اقتصادی (رانت‌خواران و زمین‌خوارانی که سودهای کلان می‌برند)، کفگیر اصلاحات (بضاعت ناچیز جنبش اصلاحات در عرصه رقابت سیاسی)، شبیخون فرهنگی (اشاعه فرهنگ غرب در ایران)، منجلاب (رشد فساد در جامعه)، چشمه عدالت (وعده عدالت‌ورزی اصولگرایان)، معادله معیشتی (مشکلات حل نشدنی معیشت در ایران)، تشعشع توسعه اقتصادی (توزیع منابع ثروت)، تندبادهای ضعف مدیریت (ناکارآمدی مدیران اصلاح‌طلب)، هاله قدسی (مصونیت نهادهای اجرایی از انتقاد)، بارقه‌های امید (تأکید خاتمی بر اصلاحات اقتصادی)، ساختار بیمار اقتصاد (بحران در اقتصاد کشور)، مهندسی انتخابات (دستکاری عامدانه در فرایند رقابت سیاسی) و زین قدرت (رقابت جهت کسب قدرت سیاسی).

تفسیر

الف - انسجام موضوعی

- مسائل اقتصادی، فضایل اخلاقی و احکام اسلامی در طی سالهایی که اصلاح طلبان قدرت را در دست گرفته‌اند، به فراموشی سپرده شده‌اند. اصلاح طلبان با طرح توسعه سیاسی هم زمینه را برای گسترش فساد و لطمه دیدن مذهب آماده کردند و هم وظایف اقتصادی خود را در قبال ملت به فراموشی سپردند.
- مبارزه با فقر و فساد و پرداختن به مشکلات معیشتی مردم باید اولویت رئیس‌جمهور آینده باشد که جریان اصلاح‌طلب به دلیل تأکید بر توسعه سیاسی فاقد این شایستگی است.
- جبهه دوم خرداد به مطالبات حقیقی جوانان یعنی شغل، مسکن و ازدواج بی‌توجه است ولی در مقابل اصولگرایان این مطالبات را درک کرده و در حال ارائه خدمات صادقانه به مردم‌اند.

- نظارت استصوابی شورای نگهبان برای جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان ضرورت دارد.

- مجلسی که اکثریت آن با اصلاح‌طلبان بود، تریبون رادیو اسرائیل بود، کارنامه غیرقابل دفاعی دارد و نیازهای موهوم ساخته دست تبلیغاتچی‌های بیگانه و بدخواه را به جای خواسته‌های حقیقی می‌نشانند ولی در مقابل دغدغه‌های اصولگرایان عیناً دغدغه‌های رهبر و مردم است.

ب- انسجام کلی

سرمقاله نویسان اصولگرا برای معرفی خود از غیرسازی با دیگری اصلاح طلب بهره می‌گیرند. «غیری» که منافع حزبی و گروهی خود را دنبال می‌کند و همسو با بیگانگان به دنبال سکولار کردن جامعه است. تلاش‌های وی برای بسط توسعه سیاسی به گسترش فساد انجامیده و به مشکلات معیشتی مردم و فقر فزاینده در جامعه بی‌توجه است. در مقابل اصولگرایان فقط اندیشه خدمت به منافع مردم را در سر دارند. آنها مطالبات واقعی مردم را می‌دانند و تمام توجه خود را معطوف رفع فقر و محرومیت کرده‌اند.

از دید این سرمقاله نویسان، شورای نگهبان با احراز صلاحیت نامزدهای انتخاباتی از افتادن جامعه به ورطه سکولاریسم جلوگیری می‌کند.

تبیین

عمده سرمقاله‌های مرتبط با مفهوم شهروندی در روزنامه‌های اصولگرا متعلق به دوره زمامداری اصلاح طلبان است. به نظر می‌رسد اقبال سرمقاله نویسان اصولگرا، متأثر از اقبال عمومی به مفهوم حقوق شهروندی و جامعه مدنی باشد. چرا که سرمقاله‌ها بیشتر ناظر به نتایج عملکرد اصلاح طلبان در مورد حقوق مورد ادعا و عمدتاً پیامدهای

منفی اقدامات آنهاست. سرمقاله‌ها توجه به حقوق سیاسی و مدنی را به مثابه لیبرالی کردن فضای جامعه و در حاشیه قرار گرفتن توسعه اقتصادی و معیشت مردم می‌دانند. دستمایه اصلی نویسندگان سرمقاله‌ها عمدتاً فاصله‌ای است که میان شعار و عمل سیاسی رقیب وجود دارد. پیروزی رقبای اصلاح طلب در انتخابات ریاست جمهوری برای دو دوره متوالی با استفاده از شعار توسعه سیاسی هر چند گفتمان اصولگرا را تا حد زیادی به حاشیه برد، اما رشد فزاینده انتظارات رأی دهندگان و سرخوردگی فزاینده آنان به دنبال عدم تحقق توسعه سیاسی مورد انتظار، فرصتی را فراهم آورد که جناح اصولگرا با زیر سؤال بردن اصل شعارهای اصلاح طلبان، قدرت مسلط خود را مجدداً احیا کند. بنابراین در سرمقاله‌ها کوشش می‌شود ایده عدالت و توسعه اقتصادی جایگزین ایده جامعه مدنی شود.

روزنامه‌های اصلاح طلب و مفهوم شهروندی

توصیف

انسجام واژگان

انتخابات (۸۴)، حق رأی (۱۳)، حق انتخاب (۱۴)، شرکت در انتخابات (۷)، رقابت آمیز (۷)، امنیت رأی (۵)، امنیت (۶)، دموکراسی (۳۴)، مردم سالار (۹)، مشروعیت (۵)، مشارکت (۱۴)، نهادهای انتخابی (۴)، رأی اکثریت (۱۱)، آزادی (۲۶)، آزادی مطبوعات (۱۲)، آزادی بیان (۱۴)، آزادی اطلاعات (۱۵)، عادلانه (۱۶)، فرصت برابر (۵)، حقوق (۲۱)، عدالت (۲۶)، حقوق شهروندی (۸)، حق انتخاب شغل (۶)، اشتغال (۷)، توسعه (۶)، انتقادپذیری (۵)، انتقاد (۱۱)، پاسخگویی (۱۸)، نهادهای مدنی (۱۱) انجمن صنفی (۶)، تشکل (۵)، بیکاری (۴)، توقیف (۱۳).

بررسی واژگان ایدئولوژیک موجود در متون مؤید این مطلب است که واژه «انتخابات» با ۸۴ بار تکرار با همایی واژه‌های همنشین خود، «حق رأی»، «حق انتخاب»،

«مشارکت»، «مردم سالار»، «رأی اکثریت» و ... به واژه قانونی متن بدل شده است. همچنین واژه «دموکراسی» با ۳۴ بار تکرار همراه با واژه‌های همنشین خود «آزادی»، «آزادی بیان»، «آزادی مطبوعات» و «آزادی اطلاعات» گروه دوم واژگان قانونی متن را تشکیل می‌دهند. گروه سوم واژگان قانونی متن را واژه «عدالت» با ۲۶ بار تکرار به همراه واژه‌های «عادلان» و «فرصت برابر» تشکیل می‌دهد.

واژه «حقوق» با ۲۱ بار تکرار به همراه «حقوق شهروندی» گروه بعدی واژگان را تشکیل می‌دهند.

«انتقاد»، «انتقاد پذیری» و «پاسخگویی» دغدغه بعدی نویسندگان سرمقاله‌هاست. «نهادهای مدنی» با ۱۱ بار تکرار در متون به همراه واژه‌های «انجمن صنفی» و «تشکل» یکی از واژگان قانونی سرمقاله‌ها به حساب می‌آید. مفهوم «اشتغال» نیز به همراه واژگانی چون «حق انتخاب شغل» و «توسعه» واژه قانونی است.

مهمترین دغدغه سرمقاله نویسان، انتخابات و برقراری نظام مردم سالار مبتنی بر رأی اکثریت است و راه رسیدن به چنین نظامی از دید آنان تنها برقراری دموکراسی و اعطای آزادی‌های مدنی است. برقراری عدالت، چه عدالت سیاسی و چه اقتصادی مورد توجه آنان است. آنها خواهان فرصت برابر برای مشارکت و نیز برخورداری عادلانه از مواهب اقتصادی هستند ولی وجهه سیاسی عدالت بسیار پررنگ تر است. مطالبه حقوق یکی دیگر از وجوه گفتمان اصلاحات و توسعه سیاسی است که طیف وسیعی از حقوق (اجتماعی، سیاسی و مدنی) را دربرمی‌گیرد.

نویسندگان سرمقاله‌ها، حق انتقاد کردن و وجود روحیه پاسخگویی و نیز وجود نهادهای مدنی برای پیگیری حقوق افراد را لازمه دستیابی به انتخابات آزاد و نظام مبتنی بر دموکراسی می‌دانند. همچنین نویسندگان سرمقاله‌ها نیم‌نگاهی نیز به حقوق اقتصادی و به ویژه حق اشتغال و انتخاب شغل داشته‌اند که البته همین توجه‌اندک نیز از سویه‌های سیاسی خالی نبوده است.

«توقیف» در نقطه مقابل «آزادی مطبوعات» مورد توجه اصلاح طلبان بوده و اتهامی است که آنان به رقیب خود وارد می‌کنند. از نظر آنها رقیب اصولگرا با کمک نهادهای انتسابی در جامعه تصلب و انسداد ایجاد کرده و با ابزار توقیف و سانسور جلوی تبادل آزادانه اطلاعات را گرفته است. واژه‌های منفی نسبت داده شده به رقیب در مقایسه با سرمقاله‌های اصولگرا به طور محسوسی کمتر است. این امر شاید بیش از آنکه ناشی از خودداری و نگاه مثبت سرمقاله نویسان باشد، ناشی از ترسی باشد که روزنامه‌های اصلاح طلب از ابزار توقیف و سانسور بر سر خود احساس می‌کنند.

در مجموع می‌توان گفت، روزنامه‌های اصلاح طلب درونمایه‌هایی عمدتاً سیاسی و مدنی دارند. در این روزنامه‌ها از «مفهوم شهروندی» جز در موارد معدود در وجه‌ایجابی بحث شده است. از سوی دیگر تنوع حقوق مورد توجه سرمقاله نویسان نیز در این متون قابل توجه است. از فراوانی واژه‌های مؤید حقوق مدنی و سیاسی می‌توان دریافت که در حقیقت این دو نوع از حقوق به نوعی تکمیل کننده یکدیگر هستند و مطالبه یکی بدون در نظر داشتن دیگری امکان پذیر نیست.

حقوق اجتماعی در رده بعدی اهمیت قرار دارند. هر چند این حقوق در سرمقاله‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند، ولی در هیچ کدام از موارد مستقلاً موضوع سرمقاله‌ای نبوده‌اند، بلکه به عنوان موضوع حاشیه‌ای و عمدتاً در کنار یکی از شاخص‌های حقوق مدنی یا اجتماعی مطرح شده‌اند. آنها معتقدند برخلاف نظر اصولگرایان، مردم بیشتر دغدغه حقوق مدنی و سیاسی خود را دارند و اصلاً بدون تأمین حقوق سیاسی و مدنی دستیابی به حقوق اجتماعی امکان پذیر نیست.

در طی هفت سال مورد بررسی، هیچ سرمقاله‌ای در زمینه تکالیف شهروندان در برابر دولت به چشم نمی‌خورد. همین نکته نشان از بی توجهی عمیق سرمقاله نویسان اصلاح طلب به موضوع وظیفه شهروندان است که به نوعی مکمل بحث حقوق شهروندی است.

بحث محوری آزادی، جامعه مدنی، انتخابات و مشارکت آزاد مردم در حکومت نشان از تعلق سرمقاله‌های روزنامه‌های اصلاح طلب به گفتمان اصلاحات و توسعه سیاسی دارد.

استعاره‌ها

استعاره رابطه میان پدیده‌ها را از راه قیاس به دست می‌دهد. روابطی که گاه می‌توانند تبیین‌کننده بسیاری از واقعیات اجتماعی باشند.

استعاره‌های سرمقاله‌های روزنامه‌های اصلاح طلب

اکسیر سیاسی (انتخابات)، تنور انتخابات (شرایط رقابت سیاسی)، زمین سیاسی (بستر رقابتهای سیاسی)، نهال آزادی (پیروزی اصلاح طلبان در رقابت انتخاباتی)، ارباب (مردم)، صاحبخانه (مردم)، مستأجر (منتخبین مردم)، ذبح شدن عدالت (توجه صرف به عدالت اقتصادی)، مصونیت آهنین (آزادی بی قید و شرط نمایندگان راستگرا برای عمل و بیان)، غبار فراموشی (مسکوت ماندن لوایح دوگانه خاتمی)، مسیر اراده انتخابگر (زمینه‌های لازم برای انتخابات آزاد)، نسخه علاج ساخت سیاسی (لوایح دوگانه رئیس‌جمهور)، رگهای قانون اساسی (نص قانون اساسی)، لید طلایی (آزادی بیان)، سنگ محک (آزادی بیان)، غول اجاره مسکن (هزینه بالای اجاره مسکن)، تورم افسارگسیخته (تورم غیرقابل کنترل)، دایره فهم و سلیقه (چارچوب‌های سختگیرانه برای آزادی بیان)، سلامت رأی دهی (برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه)، جوی حق انتخاب (حقوق انتخاباتی مردم)، جوی مردم (منافع مردم)، دالان قدرت (کرسی نمایندگی)، سنگر بی‌بدیل دموکراسی (مجلس شورای اسلامی)، آموزشگاه دموکراسی (دانشگاه)، آزمایشگاه دموکراسی (مجلس)، نفس تجدد (زمینه‌های فکری متجددانه)، پیله خویش (سیطره نهادهای آموزش سنتی)، دایره سیاست (انحصار در حوزه رقابت سیاسی)، قد و قواره رکن چهارم (قدرت مطبوعات)، جوانمرگی مطبوعات (توقیف و تعطیل پی در پی نشریات اصلاح طلب) و امتحان الهی (انتخابات).

تفسیر

الف- انسجام موضوعی

- روزنامه‌های اصلاح طلب درونمایه‌هایی عمدتاً سیاسی و مدنی دارند که برخی از مهمترین آنها به قرار زیر می‌باشند:
- مردم ایران برای مطالبه حقوق خود و رسیدن به سطوح بالای زمامداری و مدیریت راهی جز شرکت در انتخابات ندارند. انتخابات تنها راهی است که به تحول و توسعه جامعه منتهی می‌شود.
 - انتخاب شدن و انتخاب کردن حق شهروندان است نه وظیفه ایشان. تلقی شرکت در انتخابات به عنوان تکلیف شرعی انگیزه افراد برای شرکت در آن و امیدواری آنان به اثرگذاری رأی‌شان را از بین می‌برد. دولت‌ها موظفند شرایط انتخابات آزاد و رقابتی را مهیا کنند.
 - شورای نگهبان با ردصلاحیت گسترده کاندیداهای انتخابات مجلس هشتم در جهت تأمین منافع حزبی و گروهی عملاً شرایط برگزاری انتخابات سالم، عادلانه و رقابت آمیز را از بین برده است.
 - برای احقاق حقوق ملت، نهادهای مدنی همچون احزاب، مطبوعات مستقل، اتحادیه‌های صنفی و امثال آن که در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته‌اند، باید ایجاد شوند.
 - شرط لازم برای رقابت عادلانه در انتخابات دسترسی آزاد به اطلاعات و اخبار است. جریان آزاد اطلاعات و آزادی رسانه‌ها می‌تواند به پر کردن این شکاف کمک کند.
 - برخلاف تأکید جناح اصولگرا بر نیازهای معیشتی نتایج انتخابات از دغدغه‌های سیاسی و مدنی مردم حکایت دارد.

- پیش شرط توسعه، دموکراسی و لازمه دموکراسی آزادی بیان است و آزادی نیز در گرو دسترسی آزادانه به اطلاعات است. برای برقراری دموکراسی و نیل به توسعه، دسترسی آزادانه به اطلاعات و اخبار و آزادی رسانه‌ها شرطی اساسی است.

- همگان در استفاده از حق انتقاد نسبت به مسائل حکومتی برابری دارند. مسئولان باید در برابر انتقاداتی که از جانب مردم و نشریات به عملکرد آنها وارد می‌شود، تحمل بیشتری به خرج دهند.

ب- انسجام کلی

سرمقاله نویسان اصلاح طلب دستیابی به حقوق سیاسی و مدنی را شرط لازم برای رسیدن به توسعه می‌دانند. آنها سه مؤلفه انتخابات آزاد، دسترسی آزاد به اطلاعات و نهادهای مدنی را برای حرکت جامعه به سمت مردم سالاری ضروری می‌دانند و به غلبه نهادهای انتسابی، نظارت استصوابی و محدود شدن دامنه فعالیت مطبوعات به ویژه مطبوعات اصلاح طلب انتقاد می‌کنند.

تبیین

گسترش فضای سیاسی پس از روی کار آمدن اصلاح طلبان و افزایش مطالبه حقوق از سوی مردم به ویژه نسل جوان و طبقه متوسط تحصیل کرده، زمینه را برای شکل گیری چنین گفتگویی فراهم کرده بود، بنابراین در این سرمقاله‌ها مفهوم حقوق شهروندی به عرصه رویارویی دو گفتمان رقیب بدل شده بود. سرمقاله نویسان اصلاح طلب کوشیدند با تکیه بر مفاهیمی که به پیروزی جناح اصلاح طلب در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۰ انجامید، موقعیت مسلط گفتمان خود را تداوم بخشند.

عمده سرمقاله‌هایی که جنبه‌ای از ابعاد مرتبط با شهروندی را مورد بحث قرار داده‌اند، متعلق به دوره زمامداری اصلاح طلبان هستند. هر چند طی این دوره گفتمان رقیب اصولگرا گفتمان مسلط محسوب نمی‌شود اما اهرم‌های قدرتمندی در اختیار دارد

که می‌تواند با کمک آنها پروژه جامعه مدنی را به حاشیه ببرد یا دست‌کم عملکرد اصلاح طلبان را زیرسؤال ببرد. به زعم اصلاح طلبان، نهادهای انتسابی، مجلس اصولگرا و مطبوعاتی با «مصونیت آهنین»، امکان توقیف مطبوعات جناح مقابل و رد صلاحیت کاندیداهای اصلاح طلب از جمله این اهرم‌ها هستند. سرمقاله نویسان در نوشتار خود عمدتاً به دنبال دو هدف انتقاد از شرایط موجود که فرایند توسعه سیاسی را با کندی و تأخیر مواجه می‌کند و تبیین ضرورت ایجاد تغییر برای توسعه همه جانبه هستند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحلیل سرمقاله‌های شش روزنامه مورد بررسی مؤید وجوه اشتراک و افتراق نگاه اصولگرایان و اصلاح طلبان به مفهوم شهروندی است. گفتمان مسلط شهروندی در مطبوعات منتسب به هر دو گرایش سیاسی، گفتمان لیبرال است. شهروند مطلوب مطبوعات مورد بررسی، فردی صاحب حق و فاقد تکلیف است؛ چرا که در میان سرمقاله‌های مورد بررسی تنها یک سرمقاله به تکلیف شهروند پرداخته است و ۲۹ مقاله دیگر به حقوق شهروند منحصر شده است.

سرمقاله‌های مورد بررسی به نقش شهروندان در فرایند برآورده شدن حقوق توجهی نمی‌کنند، بلکه تمرکز آنها بر وظیفه دولت برای تحقق بخشیدن به حقوق و زمینه‌های دستیابی به آن است.

اما وجه افتراق روزنامه‌های مورد بحث در اولویت دهی به انواع حقوق شهروندان است. به این معنا که در سرمقاله‌های روزنامه‌های اصلاح طلب حقوق سیاسی و مدنی و در روزنامه‌های اصولگرا حقوق اجتماعی از اولویت برخوردارند. البته همه این روزنامه‌ها نیم نگاهی به تمام انواع حقوق شهروندی داشته‌اند، لیکن این همه جانبه‌نگری آنقدر کم‌رنگ است که به راحتی می‌توان از آن چشم پوشید.

سرمقاله‌های روزنامه‌های اصلاح طلب برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی را لازمه و پیش شرط دستیابی به حقوق اجتماعی می‌دانند. در مقابل سرمقاله‌های

روزنامه‌های اصولگرا حقوق اجتماعی را بر هر دو نوع حقوق سیاسی و مدنی ترجیح می‌دهند و در مجموع چندان توجهی به حقوق مدنی نمی‌کنند.

از سوی دیگر کاهش محسوس سرمقاله‌های مرتبط با شهروندی روزنامه‌های منتسب به هر دو گروه، در دوره پس از روی کار آمدن دولت نهم بسیار معنی دار است. مباحث مرتبط با حقوق مدنی و سیاسی شهروندان با توجه به پیروزی گفتمان عدالت دولت نهم در موضع فرودست قرار گرفته و از سوی دیگر، از گشایش نسبی فضای مطبوعاتی ابتدای دوره اصلاحات هم خبری نیست. بنابراین کاهش تولید محتوا در حوزه حقوق شهروندان تا حد زیادی می‌تواند معلول چنین وضعیتی باشد. کاهش توجه سرمقاله نویسان اصولگرا به مفهوم شهروندی نیز می‌تواند مبین این واقعیت باشد که توجه نسبی به این مفهوم تنها تحت تأثیر تسلط گفتمان اصلاحات و توسعه سیاسی اتفاق افتاده و در حقیقت منازعات ایدئولوژیک دو جریان رقیب در بستر شهروندی مجاللی برای بروز و ظهور یافته است. بنابراین شهروند بازنموده شده در این مطبوعات موجودی است تک بعدی که در مقطع زمانی کوتاهی (دوره اصلاحات) در یکی از ابعاد، رشدی سریع و نامتوازن را تجربه کرده، که این رشد نه تنها به توسعه شهروندی و روحیه مشارکت جویی نینجامیده است، بلکه به واسطه بحران‌هایی که به همراه داشته موجبات یاس و سرخوردگی شهروندان را نیز فراهم ساخته است. حال این سوال اساسی پیش می‌آید که چرا مطبوعات از ارائه تصویر متوازن و همه جانبه از شهروند ایرانی ناتوان بوده‌اند. پاسخ این سوال را باید در شرایط تاریخی جستجو کرد که شهروندی در بطن آن نضج گرفته است

در وهله اول باید توجه داشت که شهروندی نه‌ایده‌ای بومی بلکه وارداتی است و در بادی امر، روزنامه‌ها گفتمان غربی شهروندی را وارد جامعه ایرانی نموده‌اند. زمانی که شهروندی وارد ایران شد، مطبوعات بدون توجه به پیشینه شهروندی در اروپا، حقوق شهروندی را مورد تأکید قرار دادند. با این وصف در رعایای ایرانی به مرور زمان توقع برخورداری از حقوق به وجود آمد.

این تغییرات در شرایطی صورت می‌گرفت که زیرساخت‌های لازم برای رشد شهروندی مانند طبقه، حزب و نهادهای مدنی در ایران به وجود نیامده بود و از طرفی برخلاف دولت‌های مشروطه اروپایی، دولت و ملت در ایران در تضاد با یکدیگر قرار داشتند و روابطشان نه مبتنی بر نیازهای متقابل بلکه خصمانه بود.

اما با شکل‌گیری پارلمان و دولت انتخابی، این خصم دیرینه به صورت نهادی درآمد که به محمل انتظارات فزاینده تبدیل شد. انتظاراتی که در عین حال تکلیفی به همراه نداشت و دولت به جیب بزرگی تبدیل شد که باید این انتظارات را تأمین می‌کرد. بی تکلیفی شهروند، سیستم اداره غیرمشارکتی را به دنبال داشت که به نوبه خود باعث شد، احساس بی‌قدرتی سیاسی در افراد رشد کند و مشروعیت نظام را با مخاطره مواجه کند.

اعطای حقوق اقتصادی در چنین شرایطی و بدون زیرساخت‌های لازم از جمله سهم کردن بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی و در نهایت سپردن اداره اقتصاد کشور به دست خود مردم و صاحبان سرمایه، به درستی تحقق نیافته و حتی تلاش برای تأمین نیازهای اقتصادی مردم نیز در درون این پیکره دولتی منجر به تضعیف هر چه بیشتر بخش خصوصی، گسترش طبقه حقوق‌بگیر وابسته به دولت و سیطره کامل دولت بر اقتصاد شده است.

از سوی دیگر اعطای حقوق سیاسی و مدنی بدون تقویت نهادهای مدنی و کانالیزه کردن فعالیت‌های سیاسی از طریق پرورش احزاب سیاسی قانونی در کشور موجب هرج و مرج و بی‌نظمی در جامعه شده است. باید توجه داشت که آزادی اجتماعات، آزادی بیان و آزادی تشکیل احزاب بدون در نظر گرفتن ساز و کارها و زیرساخت‌هایی که برای جلب مشارکت سیاسی عموم مردم لازم است نه تنها به تولد شهروند منجر نخواهد شد، بلکه ممکن است زمینه‌های بروز و ظهور دوباره نظام استبدادی را نیز در درون خود پرورش دهد، چرا که فقدان تجربه مشارکت سیاسی در

اداره امور جامعه باعث می‌شود که درک درستی از مشارکت در جامعه به وجود نیاید و به جای بالا رفتن راندمان و اداره بهتر جامعه، به هرج و مرج و ناکارآمدی منجر شود. نهادهای مردمی و مدنی شکل گرفته نیز نمی‌توانند کار مهمی از پیش ببرند، یا در درون گروه‌های کوچکتر خود، نظامی استبدادی می‌پرورند. بنابراین طبیعی است که برای جلوگیری از بی‌نظمی و هرج و مرج و سوءاستفاده از آزادی، غالب شهروندان خواستار کنترل دولت بر امور باشند. به این ترتیب فقدان تجربه مشارکت و آزادی توأم با مسئولیت موجب افزایش تقاضا برای دولت مرکزی مقتدر و در نتیجه مهیا نشدن بستر مناسب برای شهروندی می‌شود.

با این اوصاف در دل مفهوم شهروندی بازنمایی شده توسط مطبوعات ایران و جایگاهی که برای دولت متصور می‌شوند، می‌توان ردپای الگوی استبدادی حکومت که سالها در خاک این کشور ریشه دوانیده است را پیدا کرد. به عبارت دیگر بازنمایی شهروندی با تکیه بر حقوق و بدون توجه به وظایف شهروندان، منجر به بازتولید الگوی حاکمیت استبدادی در قالب نهاد «دولت» می‌شود و مردم هر چند شهروند نامیده می‌شوند ولی از مشارکت در اداره کشور گریزانند و به تعبیر دکتر پرویز پیران از سر اجبار به مشارکت نمایشی روی می‌آورند یا مشارکت آنها به دلایل گوناگون محدود می‌شود. حقوق مردم به طور کامل تحقق نمی‌یابد و به دلیل احساس بی‌قدرتی سیاسی و فاصله بین دولت و ملت ترمیم نمی‌شود. از سوی دیگر بی‌نظمی و بی‌ثباتی ناشی از اعطای شتابزده حقوق شهروندی، موجب تمایل مردم به بازگشت به الگوی حکومت متمرکز دولتی و نظم و ثبات ناشی از آن می‌شود.

در چنین بستری، انتظار بازنمایی همه جانبه مفهوم شهروندی در مطبوعات چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. چگونه می‌توان انتظار داشت مفهومی که هنوز اجماعی درباره ضرورت شکل‌گیری آن برای توسعه همه جانبه کشور حاصل نشده و متناسب با نیاز توسعه‌ای و شرایط اجتماعی - سیاسی کشور بازتعریف نشده، در مطبوعات نمودی همه جانبه و تصویری دقیق داشته باشد. مسلم است که تأکید بر مفهوم شهروندی در

مطبوعات مقطعی و تحت تأثیر موجی است که در دوره اصلاحات ایجاد شد و حتی در همین دوره نیز شهروندی در مطبوعات مورد بحث چندان جدی گرفته نمی‌شود. به این معنا که هم گفتمان اصلاحات و توسعه سیاسی و هم گفتمان راست جدید از حقوق شهروندی به عنوان ابزاری برای تحمیل موضع فرادست خود و به محاق بردن گفتمان رقیب استفاده می‌کنند و در بسیاری از موارد، تنها در آستانه انتخابات یا رویدادهایی از این دست است که جلب مشارکت مردم و تحقق حقوق آنها به دغدغه جریانان سیاسی تبدیل می‌شود.

نکته جالب توجه دیگر این است که در غالب موارد، سرمقاله‌ها از الگوی تک گفتمانی پیروی می‌کنند و علاقه‌ای به استفاده از عناصر گفتمان‌های رقیب ندارند. این امر نشان می‌دهد که مطبوعات مورد بررسی حتی در موضوعی مانند شهروندی، به دنبال ارائه همه وجوه قابل تصور برای پدیده نیستند، بلکه با ارائه اطلاعات و برجسته‌سازی در مورد ابعادی که در راستای منافع آنهاست، درصدد جلب نظر مخاطبین و دستیابی به قدرت از طریق آنها هستند.

در واقع برخلاف اعتقاد روزنستیل، روزنامه‌های مورد بررسی بیش از آنکه در خدمت شهروندان و ارائه اطلاعات به آنان باشند یا درصدد خلق شهروند برآیند، به دنبال خدمت به منافع حزبی و گروهی خود هستند.

ولی چنانکه پیشتر نیز به آن اشاره شد، با توجه به تغییرات عرصه بین‌المللی و طلوع عصر جهانی شدن، دیگر نمی‌توان به اداره جامعه با شیوه‌های غیرمشارکتی امید بست. چرا که نمی‌توان تا ابد جامعه را بسته نگاه داشت و رویارویی با تغییرات عمیقی که در عرصه جهانی اتفاق افتاده است، بدون مدد جستن از مشارکت فعالانه شهروندان امکان‌پذیر نیست. بنابراین هر چه زودتر باید نسبت به فعال کردن «شهروند» در ایران اقدام کرد.

برای دستیابی به این هدف مطبوعات ایران می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کنند. البته به شرطی که در بازنمایی این مفهوم به جای در نظر گرفتن منافع حزبی و گروهی،

منافع و ملزومات جامعه ایرانی را مدنظر داشته باشند و ترکیبی از مفهوم حقوق‌محور، لیبرالی و نظریه تکلیف‌محور جمهوری خواهانه شهروندی را با توجه به مختصات این جامعه و با کمک گرفتن از اندیشمندان این حوزه، بومی سازند.

بدیهی است که بازنمایی درست این مفهوم به ریشه گرفتن شهروندی در ایران کمک شایانی خواهد کرد و موجب بسط پایه‌های نظام حکومتی مردم‌سالار در ایران خواهد شد. بنابراین برای روزنامه‌های کشور ضرورت دارد که برای اثبات وفاداری خود به شهروندان، رسالت خبری و اطلاع‌رسانی خود را به نحو شایسته‌تری انجام دهند و در مفهوم نمودن ابعاد شهروندی به مخاطبین بر مبنای اطلاعات درست و همه‌جانبه بکوشند.

منابع

- بشیریه، حسین. (۱۳۷۸)، *جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران: گفتارهایی در جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۰)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- پیران، پرویز. (بی تا)، «اداره مردم شهرها و ضرورت آن در ایران»، *فرهنگ و معماری*، سال ... شماره ... تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خانیکی، هادی. (۱۳۸۱)، *قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات*، تهران: طرح نو.
- دالگرن، پیتر. (۱۳۸۰)، *تلویزیون و گستره عمومی: جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی*، ترجمه: مهدی شفقتی، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- دان، رابرت جی. (۱۳۸۵)، *نقد اجتماعی پست مدرنیته: بحران‌های هویت*، ترجمه: صالح نجفی، چاپ اول، تهران: انتشارات شیرازه.

- دوروکس، اوئن. (۱۳۸۷)، تحلیل محتوای بازنمایی‌های رسانه‌ای در جهان نابرابر، ترجمه: سید محمد مهدی زاده طالشی، فصلنامه رسانه، سال نوزدهم، شماره اول.
- ربیعی، علی. (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتار رأی دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- روزنستیل، تام؛ کووچ، بیل. (۱۳۸۵)، عناصر روزنامه‌نگاری، ترجمه: داوود حیدری، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- شایان مهر، علیرضا. (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۲)، وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، پایان‌نامه دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فرانکفورد، چاوا؛ نجمیاس، دیوید. (۱۳۸۱)، روشهای پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی؛ فاضل لاریجانی؛ رضا فاضلی، تهران: نشر سروش.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، گروه مترجمان، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- کاتوزیان، محمد علی همایون. (۱۳۷۲)، استبداد، دموکراسی و نهضت ملی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- کاشی، محمدجواد غلامرضا. (۱۳۸۴)، نظم و روند تحول گفتار دموکراسی در ایران، تهران: گام نو.
- کاستلز، استفان؛ دیویدسون، ایستر. (۱۳۸۲)، شهروندی و مهاجرت: جهانی شدن و سیاست تعلق، ترجمه: فرامرز تقی لو، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- مهدی‌زاده، سیدمحمد. (۱۳۸۱)، «انعکاس سخنرانی‌های سه نامزد ریاست جمهوری (خاتمی، توکلی، جاسبی) در روزنامه‌های نوروز، رسالت و آفرینش»، نامه پژوهش فرهنگی، سال هفتم، شماره ۳.

- مهدی‌زاده، سید محمد. (۱۳۸۳)، اینترنت و حوزه عمومی، فصلنامه رسانه، شماره ۵۹.

- مید، لارنس. (۱۳۸۱)، «شهروندی و سیاست اجتماعی»، نشریه گفتگو، شماره ۳۵.

- نجاتی حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۰)، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.

- ون دایک، تئون ای (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی، گروه مترجمان، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

-Falk, Richard (1994). **The Making of Global Citizenship.** TheCondition of Citizenship. Edited by Bart Van Steenbergen. London : Sage Publications.

- Goodwin, Liu(2006). "Education, Equality, and National Citizenship". **The Yale Law Journal**; 116,2; ABI / INFORM Global. - Heater, Derek (1999). **What Is Citizenship?** Cambrige : Polity Press.

- Levis, Justin. Whal – Jorgensen, Karin (2004). " Images of Citizenship on Television News : Constructing a Passive Public". **Jurnalism Studies.**Volume 5.

- Lister, Ruth (2003). **Citizenship, Feminist Perspective,** London, MacmillanPress Ltd.

- Oliver, D. Heater, D (1994). **The Foundation of Citizenship**. Edited by Ursula Vogel and Michael Moran. Houndmills, Basingstoke, Hampshire: Macmillan.

- Oldfield. A (1990). **Citizenship and Community**. London: Routledge.

پیوست: عناوین سرمقاله‌های تحلیل شده

روزنامه کیهان

نمونه شماره ۱، کیهان، فرقی نمی‌کند چه کسی رئیس جمهور شود!، علیرضا ملکیان، ۹ خرداد ۱۳۸۰.

نمونه شماره ۲، کیهان، حذف مردم به نفع احزاب، علیرضا ملکیان ۳۱ فروردین ۱۳۸۲

نمونه شماره ۳، کیهان، اقدامی ارزنده از مجلس اصولگرا، علیرضا ملکیان، ۲۳ فروردین ۱۳۸۴

نمونه شماره ۴، کیهان، فصلی برای زیستن، مرتضی قمری وفا، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۴

نمونه شماره ۵، کیهان، خانه‌کارآمدها، حسین امیدی، چهارشنبه ۱۲ دی ۱۳۸۶

روزنامه رسالت

نمونه شماره ۱، رسالت، دولت دینی، بیژن مقدم، ۲ خرداد ۱۳۸۰

نمونه شماره ۲- رسالت، کارآمدی دولت، بدون امضا، ۱ خرداد ۱۳۸۱

نمونه شماره ۳، رسالت، اصلاحات اقتصادی، عباس درویش توانگر، ۱۱ شهریور

۱۳۸۱

نمونه شماره ۴، رسالت، یکصدمین سال قانونگذاری، محمدکاظم انبارلویی، ۷
خرداد ۱۳۸۵

نمونه شماره ۵، رسالت، انتخابات و حقوق شهروندی، صالح اسکندری، ۱۷
مرداد ۱۳۸۶

روزنامه ایران

نمونه شماره ۱، ایران، نگاه انسان امروز، محمد نوری - ۱۸ خرداد ۱۳۸۰
نمونه شماره ۲، ایران - پاسنگویی، سیدمصطفی تاج زاده، ۲۱ آذر ۱۳۸۱
نمونه شماره ۳، ایران، قدرت، ثروت، معرفت، بدون نام، ۱۱ دی ۱۳۸۱
نمونه شماره ۴، ایران، نسخه‌های علاج ساخت سیاسی، بدون نام، ۲۵ خرداد
۱۳۸۲

نمونه شماره ۵، ایران، مرزهای شیشه‌ای حاکمیت‌ها، جواددلیری، ۱۹ آذر ۱۳۸۲

روزنامه اعتماد

نمونه شماره ۱، اعتماد، یادداشت سردبیر (بهزادی)، ۱۶ مرداد ۱۳۸۱
نمونه شماره ۲، اعتماد، باز هم جای خالی «برنامه»، رئوف پیشدار، ۲۳ آذر ۱۳۸۵
نمونه شماره ۳، اعتماد، آزادی بیان و قانون اساسی، حسین انصاری راد، ۲۳
اردیبهشت ۱۳۸۶
نمونه شماره ۴، اعتماد، معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه، ۲۸ مرداد ۱۳۸۶،
دکتر ابراهیم یزدی

نمونه شماره ۵، اعتماد، پیش بینی می‌شد که...، مصطفی معین، ۹ بهمن ۱۳۸۶

روزنامه شرق

نمونه شماره ۱، شرق، مدرن‌ها متحد شوید، محمد قوچانی، ۸ بهمن ۱۳۸۲
نمونه شماره ۲، شرق، لغو مجازات توقیف، علی اصغر سید آبادی، ۱۸ مرداد

نمونه شماره ۳، شرق، دفاع از حاکمیت یگانه و دموکراتیک، سید مصطفی تاجزاده، ۱۸ اسفند ۱۳۸۳

نمونه شماره ۴، شرق، سندیکا و حقوق شهروندی کارگران، مصطفی معین، ۱۰ دی ۱۳۸۴

نمونه شماره ۵، شرق، دولت و رکن چهارم، رامین رادنی، ۸ شهریور ۱۳۸۵
روزنامه آفتاب یزد

نمونه شماره ۱، آفتاب یزد، مردم و انتخابات، ناصرالدین قاضی زاده، ۲۳ خرداد ۱۳۸۰

نمونه شماره ۲، آفتاب یزد، احساس رضایت یا عدم رضایت، حمید قاسمی فیض آباد، ۱۰ مرداد ۱۳۸۰

نمونه شماره ۳، آفتاب یزد، انتخابات حق یا تکلیف!، سید مجتبی واحدی، ۸ بهمن ۱۳۸۲

نمونه شماره ۴، آفتاب یزد، بی توجهی به آرای اکثریت، بدون امضا، ۹ مرداد ماه ۱۳۸۴

نمونه شماره ۵، آفتاب یزد، انتقاد پذیری شرط اتحاد ملی، بدون امضا، ۱۴ فروردین ۱۳۸۶